ذره‌بین

## رئیس جمهور: با هدایت رهبری از وضعیت «نه جنگ نه صلح» عبور می‌کنیم

رئیس جمهور روز گذشته در اولین بخش از برنامه‌های سفر استانی خود به مازندران در تشریح تلاش دولت برای مدیریت کسری نزدیک به ۲۰ هزار مگاوات انرژی اظهار داشت: با تلاش مدیران و کارشناسان، بیش از ۵۰۰۰ مگاوات ظرفیت جدید از محل پنل‌های خورشیدی و نیروگاه‌های مختلف وارد مدار شده است. همچنین بیش از ۴۰۰۰ مگاوات از طریق صرفه‌جویی در مصرف برق تأمین و بیش از ۲۰۰۰ مگاوات از این بخش مدیریت شده است. همزمان، مدیریت مصرف در برق و گاز پیگیری شده؛ به‌گونه‌ای که وضعیت قطعی‌ها نسبت به سال گذشته بهبود یافته و کارخانجات می‌توانند با اطمینان بیشتری فعالیت کنند. دکتر پزشکیان با بیان این‌که در حوزه سیاست خارجی ارتباط با همسایگان بهبود یافته و در مسیر گفت‌وگوها چشم‌انداز مثبتی دیده می‌شود، افزود: با هدایت و رهنمود مقام معظم رهبری تلاش می‌شود از وضعیت نه جنگ نه صلح عبور شود، زیرا در چنین شرایطی برداشتن موانع با سهولت بیشتری امکان‌پذیر خواهد بود.

## رئیس دستگاه قضا: مجرمان وقایع اخیر دانشگاه به دستگاه قضایی معرفی شوند

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضاییه، دیروز در دیدار با اقشار مختلف مردم استان البرز درباره برخی اتفاقات در دانشگاه‌ها تصریح کرد: طرح برخی شعارها، اقدامات و اهانت به نمادها در یک مرکز علمی و از سوی دانشجو قابل قبول نیست. پیش‌تر به وزرای مربوط گفته شده بود که اگر بتوانند مسائل دانشگاه‌ها را ساماندهی و کنترل کنند تا جرمی رخ ندهد و کار به قوه قضاییه نکشد، بهتر است. جلساتی نیز برگزار و قول‌هایی داده شد. رئیس قوه قضاییه عنوان کرد: اخیرا نیز با وزیر علوم صحبت شده و قرار است کمیته‌های انضباطی فعال شود. اگر جرمی صورت گرفته باشد، نمی‌توان از کنار آن گذشت و متخلفان باید معرفی شوند؛ در غیر این صورت قوه قضاییه ناچار به شناسایی و اقدام خواهد بود که هزینه بالاتری دارد. به معاونت حقوقی دستور داده‌ام از ظرفیت‌های قانونی استفاده کند.

## دستگیری و هلاکت تروریست‌های عامل شهادت نیروهای پاسگاه فهرج

سربازان گمنام امام زمان، قرارگاه قدس سپاه و فراجا در عملیاتی مشترک در جدار مرزهای جنوب‌شرق کشور تعدادی از اعضای یک شبکه تروریستی را دستگیر کرده یا به هلاکت رساندند. هشت نفر از اعضای یک شبکه تروریستی مستقر در جدار مرزهای جنوب‌شرق کشور، وابسته به گروه‌های تکفیری و سرویس‌های جاسوسی بیگانه در عملیات مشترک سربازان گمنام امام زمان، قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه پاسداران و فراجا دستگیر و سه تروریست به هلاکت رسیدند. از محل‌های اختفای این تروریست‌ها و ضربه به خانه‌های امن آنها مقادیر قابل‌توجهی انواع سلاح‌های جنگی ازجمله آرپی‌جی ۷، سلاح آمریکایی M۴ مجهز به دوربین دید در شب، چند قبضه سلاح کلاشینکف مجهز نارنجک‌انداز و کلت کمری کشف و ضبط شد. همه عناصر به هلاکت رسیده یا بازداشت شده از اتباع بیگانه اجیر شده توسط گروهک موصوف بوده‌اند. عناصر دستگیر شده در بازجویی‌های مقدماتی به‌طور صریح به اقدام عملیاتی روی ماموران ایست‌بازرسی پاسگاه بین‌راهی فهرج کرمان راکه منجر به شهادت سه نفر از عوامل انتظامی و یک نفر از شهروندان عادی شد، اعتراف کردند. در همین حال سردار جباری، فرمانده سابق سپاه ولی‌امر در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، افزود: تفاوت فتنه اخیر با قبلی‌ها این بود که علاوه بر برخی از جریانات درون نظام که در آن فتنه‌های قبلی نقش داشتند، همه جریانات معاند، ضدانقلاب، تجزیه‌طلب، منافق، کومله، دموکرات و حتی جریاناتی مثل تبشیری‌ها (مسلمانانی که تغییر دین دادند و مسیحی شدند) هم وارد شدند. علاوه بر اینها، بقیه گروه‌ها مثل وابستگان به عرفان‌های کاذب، بهایی‌ها و اراذل و اوباش هم حضور داشتند که موضوع مهمی است. سردار جباری با بیان این‌که برنامه دشمن راه انداختن اغتشاش و حمله نظامی در مرحله اول بود، تصریح کرد: برعکس جنگ ۱۲ روزه، هدف‌شان این بود که از هفت هشت ده سال پیش، تعدادی از اراذل و اوباش شاخص را که تعدادشان هم چند هزار نفر بود از سراسر کشور شناسایی و روی‌شان کار کردند. این فرمانده ارشد سپاه افزود: این افراد را در یک سفر ظاهرا تفریحی به کشورهای همسایه مثل ترکیه بردند و بعد سرویس‌های خارجی آنها را به کشور دیگری منتقل کردند و عناصر عمده‌شان را هم به سرزمین‌های اشغالی بردند و سه دوره ۲۱ روزه برای‌شان برگزار کردند. برای هر نفر ۲۵ هزار دلار در ۲۱ روز خرج کردند.

### یک روز قبل از آغاز دور سوم گفت‌وگوهای تهران و واشنگتن ترامپ بار دیگر ادعاهای ضدایرانی خود را مطرح کرد

# بلوف‌های پیش از مذاکره



دور سوم مذاکرات غیرمستقیم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در ژنو در شرایطی برگزار می‌شود که پیش از آغاز رسمی گفت‌وگوها، میدان اصلی جدال‌ها در اتاق مذاکره، بلکه در تریبون‌ها، نظرسنجی‌ها و جدال‌های حزبی آمریکا شکل گرفته است. فضای عمومی حاکم بر این دور، بیش از آن‌که فنی و مبتنی بر جزئیات حقوقی باشد، سیاسی و آمیخته به نمایش قدرت است؛ نمایشی که با سخنرانی اخیر دونالد ترامپ به اوج رسید. ترامپ در سخنان اخیر خود در کنگره آمریکا مدعی شد برنامه هسته‌ای ایران پیش‌تر «به‌طور کامل و تمام‌عیار نابود شده است» اما در ادامه همان سخنرانی هشدار داد ممکن است برای جلوگیری از دستیابی ایران به اهداف هسته‌ای‌اش، اقدام نظامی جدیدی ضروری باشد. همین دوگانه، به محور اصلی انتقادها در داخل آمریکا تبدیل شده است: اگر نابودی کامل رخ داده، اضطرار جدید از کجا آمده است؟

### تناقضی که به شکاف حزبی تبدیل شد

این پرسش را نخست تهران مطرح نکرد؛ بلکه در واشنگتن و از سوی دموکرات‌ها برجسته شد. حکیم جفریس، رهبر دموکرات‌های مجلس نمایندگان، بالحنی کم‌سابقه اعلام کرد یا ترامپ سال گذشته به مردم آمریکا دروغ گفته یا اکنون حقیقت را تحریف می‌کند. او تصریح کرد اگر ادعای «نابودی کامل» درست بوده، سخن گفتن از شرایط اضطراری معنایی ندارد؛ و اگر اکنون اضطرار وجود دارد، پس ادعای پیشین خلاف واقع بوده است. این موضع‌گیری صرفا یک اختلاف لفظی نیست؛ بلکه نشانه‌ای از شکاف عمیق در رویکرد آمریکا نسبت به ایران است. بخشی از جریان دموکرات معتقد است سیاست تهدید و فشار حداکثری نه‌تنها نتیجه نداده، بلکه شرایط را پیچیده‌تر کرده. در مقابل، تیم ترامپ می‌کوشد از ادبیات تهدید به‌عنوان اهرم چانه‌زنی استفاده کند.

### جنگ روانی با ارقام

دونالد ترامپ در سخنرانی خود مدعی شد که ایران «حداقل ۳۲۰۰۰ معترض را کشته است» عددی که بدون ارائه سند، منبع یا گزارش رسمی بین‌المللی مطرح شد.
این در حالی است که مقامات کشورمان این ادعا را «بخشی از کارزار دروغ‌سازی سازمان‌یافته» توصیف کردند. اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه، با اشاره به تکرار این ارقام در ادبیات مقام‌های آمریکایی و رژیم صهیونیستی، تصریح کرد که چنین اعداد و ادعاهایی مصداق همان قاعده تبلیغاتی است که بر پایه «تکرار دروغ تا تبدیل شدن به شبه‌حقیقت» عمل می‌کند. در سطح تحلیلی، طرح یک عدد بزرگ و تکان‌دهنده پیش از مذاکرات چند کارکرد مشخص دارد: نخست، القای وضعیت «بحران انسانی حاد» برای مشروعیت‌بخشی به فشار سیاسی و حتی تهدید نظامی؛ دوم، ایجاد شکاف روانی در فضای مذاکرات و تلاش برای قرار دادن ایران در موضع تدافعی و سوم، تأثیرگذاری بر افکار عمومی آمریکا در زمانی که دولت با افت مقبولیت داخلی مواجه است.

### افکار عمومی؛ پشتوانه‌ای که فرسوده شده است

همزمان، نتایج نظرسنجی شبکه سی‌ان‌ان نشان داد تنها ۳۸ درصد مخاطبان واکنش «مثبت» به سخنرانی ترامپ داشته‌اند؛ آماری که پایین‌ترین سطح مقبولیت برای چنین سخنرانی‌ای توصیف شده است. این عدد، شاخصی از میزان سرمایه سیاسی رئیس جمهور برای ورود به یک بحران تازه است. تجربه سیاست خارجی آمریکا نشان داده هرگونه اقدام نظامی یا حتی تشدید تنش جدی، نیازمند حداقلی از اجماع داخلی است اما امروز، رئیس جمهور آمریکا در حالی از گزینه‌های سخت سخن می‌گوید که نه اجماع حزبی دارد و نه پشتوانه اجتماعی قوی. در چنین فضایی، این پرسش جدی مطرح می‌شود که آیا تهدیدهای لفظی ترامپ، بیشتر مصرف داخلی دارد یا هدف آن افزایش فشار روانی پیش از مذاکره است؟

### راهبرد «فشار پیشینی»؛ تاکتیک چانه‌زنی

در ادبیات مذاکرات بین‌المللی، استفاده از «فشار پیشینی» پیش از ورود به اتاق گفت‌وگو، تاکتیکی شناخته‌شده است. طرف مذاکره‌کننده می‌کوشد با برجسته‌سازی تهدید یا بحران، دست برتر را در شروع مذاکرات به دست‌آورد اما این تاکتیک زمانی کارآمد است که از انسجام داخلی و روایت منسجم برخوردار باشد. امروز اما واشنگتن با یک مشکل جدی مواجه است روایت رسمی درباره «نابودی کامل» برنامه هسته‌ای ایران، با هشدار درباره «ضرورت اقدام جدید» همخوانی ندارد. این تناقض، نه‌تنها ابزار فشار را تضعیف می‌کند، بلکه اعتماد متحدان را نیز خدشه‌دار می‌سازد. در سطح بین‌المللی نیز بسیاری از بازیگران، به‌ویژه کشورهای اروپایی، از تشدید تنش استقبال نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند مسیر دیپلماسی ادامه یابد. همین امر، دامنه مانور آمریکا را محدود کرده است.

### بزرگنمایی؛ راهبردی برای مشروعیت‌سازی فشار

دونالد ترامپ در سخنرانی خود همچنین مدعی شد ایران نه‌تنها موشک‌هایی در اختیار دارد که اروپا و پایگاه‌های آمریکا در خارج را تهدید می‌کند، بلکه «در حال کار روی موشک‌هایی است که به‌زودی به ایالات متحده خواهند رسید». این گزاره، درواقع سنگین‌ترین بخش روایت تهدیدسازی واشنگتن پیش از دور سوم مذاکرات ژنو بود.
این ادعا در حالی مطرح می‌شود که تهران بارها تأکید کرده برنامه دفاعی و موشکی ایران ماهیتی بازدارنده دارد و اساسا در دستورکار مذاکرات قرار ندارد. مقامات ایرانی تصریح کرده‌اند هیچ مذاکره‌ای درباره توان دفاعی کشور انجام نخواهد شد و چارچوب گفت‌وگوها محدود به موضوع هسته‌ای است.
نکته قابل توجه آن است که طرح چنین ادعایی دقیقا در آستانه ازسرگیری مذاکرات، دو کارکرد همزمان دارد:
نخست، ایجاد فضای اضطرار و تهدید فوری برای توجیه فشارهای بیشتر؛ دوم، انتقال پیام به افکار عمومی آمریکا و متحدان اروپایی مبنی بر این‌که خطر ایران «در حال نزدیک شدن به خاک آمریکا» است.
از منظر تهران، ورود به چنین فضاسازی‌هایی تلاشی برای گره‌زدن پرونده موشکی به گفت‌وگوهای هسته‌ای و افزایش اهرم فشار در میز مذاکره است؛ تلاشی که پیش‌تر نیز با واکنش صریح ایران مواجه شده و خط قرمز بودن توان دفاعی کشور بارها اعلام شده است.
در واقع، ادعای «موشک‌های در راه آمریکا» بیش از آن‌که گزارشی فنی باشد، بخشی از سناریوی سیاسی برای بالا بردن سطح تهدید پیش از ژنو ارزیابی می‌شود؛ مذاکراتی که قرار است درباره هسته‌ای گفت‌وگو کند، نه درباره بازدارندگی دفاعی ایران.

### پاسخ تهران؛ ترکیب بازدارندگی و دیپلماسی

در تهران، مقامات ایرانی کوشیده‌اند واکنشی چندلایه ارائه دهند. سیدعباس عراقچی با تأکید بر این‌که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست، اعلام کرده تهران با هدف دستیابی به توافقی عادلانه و پایدار وارد ژنو شده است. او از «فرصت تاریخی» برای رسیدن به تفاهم سخن گفته اما در عین حال تصریح کرده ایران از حقوق مسلم خود عقب‌نشینی نخواهد کرد.
مجید تخت‌روانچی نیز تأکید کرده موضوع مذاکرات صرفا هسته‌ای است و برنامه دفاعی ایران وارد دستورکار نخواهد شد. به گفته او، جنگ نه‌تنها راه‌حل نیست، بلکه آغاز آن لزوما به معنای امکان کنترل پایانش نخواهد بود.

### پاسخ قالیباف به گزافه‌گویی ترامپ

در سطح داخلی، دکتر محمدباقر قالیباف نیز هشدار داده هرگونه اقدام نظامی تازه با پاسخ قاطع مواجه خواهد شد. وی تاکید کرد: صریح و قاطع به آمریکایی ها می‌گوییم، همه گزینه‌ها روی میز است؛ هم دیپلماسی عزتمندانه و هم دفاع پشیمان‌کننده. رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: اگر میز دیپلماسی را انتخاب کنید؛ دیپلماسی‌ای که در آن عزت ملت ایران و منافع متقابل رعایت شود، ما نیز پشت همان میز خواهیم بود؛ اما اگر تصمیم بگیرید با فریب، دروغ، تحلیل نادرست و اطلاعات غلط، تجربه گذشته را تکرار کنید و در میانه مذاکرات دست به حمله بزنید، بی‌تردید طعم مشت محکم ملت ایران و نیروهای دفاعی کشور را خواهید چشید.

### ژنو؛ تقاطع سه بحران

دور سوم مذاکرات در نقطه تلاقی سه بحران قرار گرفته است:
۱ـ بحران اعتماد: خروج آمریکا از توافق‌های پیشین و حتی آغاز جنگ در میانه مذاکراتی ابتدای سال ۱۴۰۴ و ادبیات متناقض کنونی، سطح بی‌اعتمادی را افزایش داده است.
۲ـ بحران مشروعیت داخلی در آمریکا: افت مقبولیت ترامپ و شکاف حزبی، توان تصمیم‌گیری قاطع را محدود کرده است.
۳ـ بحران روایت: کاخ سفید می‌کوشند پیش از آغاز رسمی گفت‌وگوها، افکار عمومی داخلی و خارجی را با خود همراه کند.
در چنین فضایی، ژنو به میدان آزمون اراده‌های سیاسی تبدیل شده است. اگر تهدیدهای پیش از مذاکره صرفا ابزار چانه‌زنی باشد، ممکن است پشت درهای بسته شاهد گفت‌وگوهای واقع‌گرایانه‌تری باشیم اما اگر این ادبیات بازتاب یک رویکرد راهبردی باشد، خطر فرسایشی شدن مذاکرات و تقویت گزینه نظامی جدی است.

---

یادداشت

سعدالله زارعی | تحلیلگر مسائل سیاسی

## یونیفورم مذاکره

وقتی صحبت از حضور دونالد ترامپ در کنگره آمریکا و سخنرانی او در جمع نمایندگان مطرح شد بعضی از اطرافیانش می‌گفتند منتظر مواضع جدی و جدید رئیس جمهور باشید. عده‌ای هم در داخل ایران بر اهمیت ویژه سخنرانی ترامپ در کنگره تأکید داشتند و البته هدف‌شان عمدتا ترساندن ایران بود اما ترامپ بسیار فروتر از انتظارات حتی تیم اطراف خود ظاهر شد. هر چه بیان کرد بی‌کم و کاست حرف‌هایی بود که پیش از این زده بود. او به‌خصوص درباره ایران مطلقا حرف تازه‌ای نزد. صحبت‌های سابقش را تکرار کرد و دست آخر معلوم شد به جمع‌بندی جنگ با ایران نرسیده. دو روز پیش ویتکاف فاش کرد که ترامپ انتظار داشته ایران تسلیم شود اما حالا باید در کنگره نحوه برخورد با ایرانی را که تسلیم نشده توضیح می‌داد اما حرف دیروز او در کنگره همان حرف هفته‌های پیش او بود که برای تسلیم شدن ایران روی قدرت نظامی آمریکا و مصمم بودن نظامیان خود مانور می‌داد. ترامپ در حالی صبح روز دوشنبه به وقت محلی راهی کنگره شد که نه‌تنها ایران تسلیم نشده بود بلکه حتی رئیس پنتاگون (هگست) که خود را مصمم به برخورد با ایران نشان می‌داد به نقل از فرماندهان تحت امر خود گفت ارتش موافق حمله به ایران نیست و نمی‌تواند پیامدهای آن و سطح واکنش ایران را پیش‌بینی کند. در این بین دیلی ۲۵ اسفند ماه ترامپ را مقصر تعلل ارتش معرفی کرد و نوشت ترامپ نمی‌تواند تصمیم قطعی بگیرد و این عدم قطعیت به سردرگمی و کلافگی در داخل وزارت دفاع آمریکا منجر شده است. یک مقام وزارت دفاع آمریکا به داشابرنز روزنامه‌نگار ارشد پالتیکو گفته در عرض چند هفته یا چند ماه گذشته چند نوبت مقامات وزارتخانه، ساختمان را با این فکر که قرار است در ساعت ۳ بامداد روز بعد به ایران حمله کنیم ترک کردند اما بیدار شدند و شنیدند تصمیم گرفته شده حمله نکنیم. علی‌هاشم پژوهشگر دانشگاه رویال هالوی لندن راز این همه این پا و آن پا کردن ترامپ و پنتاگون را در این می‌بیند که ایران ثابت کرده استراتژی مقاومت طولانی‌مدت را ترجیح می‌دهد. این سبک، هزینه‌ها و پیچیدگی‌ها را برای حریف افزایش می‌دهد. در حال حاضر و تا هفته‌های آینده، نه آمریکا و نه رژیم اسرائیل آمادگی ورود به جنگی با این مختصات در برابر ایران ندارند. جیسون کمپبل کارشناس نظامی آمریکا در مؤسسه خاورمیانه، چهارم اسفند به وبگاه العربی الجدید گفت من نوامبر گذشته (آبان) در اسرائیل بودم. مقامات نظامی اسرائیل می‌گفتند تا اواخر تابستان یا اوایل پاییز ۲۰۲۶ وقت لازم دارند تا سامانه‌های دفاعی خود را برای جنگ دوباره آماده کنند. از آن طرف سناتور اندی کیم چهارم اسفند در توئیتی نوشت هفته گذشته در نشست عمومی حوزه انتخابیه‌ام ایالت نیوجرسی از مردم پرسیدم آیا می‌خواهید به ایران حمله کنیم، هیچ‌کس پاسخ مثبت نداد. این وضع عمومی ایالت‌ها و مردم و فضای وزارت دفاع آمریکا و فضای نظامی رژیم اسرائیل است. با این اوصاف باید گفت حق با کسانی است که معتقدند ترامپ برخلاف ظاهر به شدت از لحاظ تعداد گزینه‌ها دچار تنگنا و محدودیت است و به میز مذاکره با ایران به چشم تنها گریزگاه نگاه می‌کند.

---

یادداشت

مسعود رضایی | تحلیلگر مسائل سیاسی

## تهدید یا توافق؟ معمای آمریکا

در آستانه دور تازه گفت‌وگوهای ایران و آمریکا که قرار است روز پنجشنبه برگزار شود، فضای دیپلماسی هسته‌ای وارد مرحله‌ای تعیین‌کننده شده است. نشانه‌ها حاکی از آن است که دو طرف با پیشنهادهای مشخص وارد میز مذاکره خواهند شد؛ اما آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، تفاوت آشکار در انسجام مواضع تهران و وضعیت متزلزل تصمیم‌سازی در واشنگتن است. از منظر جمهوری اسلامی ایران، چارچوب مذاکرات کاملا تعریف‌شده و غیرقابل تفسیر دوگانه است. اصل بنیادین در این چارچوب، حفظ احترام متقابل، تأمین منافع ملی و پایبندی به حقوق تثبیت‌شده ایران در نظام حقوقی بین‌المللی است. تهران به‌صراحت اعلام کرده که «غنی‌سازی صفر» را نمی‌پذیرد و غنی‌سازی را در چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) حقی مسلم برای خود می‌داند. این موضع نه یک تاکتیک مقطعی، بلکه امتداد راهبردی حقوقی و فنی است که در سال‌های گذشته بارها در سطوح مختلف رسمی تکرار شده است. ایران علاوه بر رد غنی‌سازی صفر، مرزبندی روشنی درباره دامنه مذاکرات ترسیم کرده است. موضوعات موشکی و مسائل منطقه‌ای اساسا خارج از دستور کار مذاکرات هسته‌ای تعریف شده‌اند. حتی گزارش‌هایی منتشرشده مبنی بر این‌که وزیر امور خارجه، در مواجهه با بسته‌ای که حاوی مباحث مرتبط با برنامه موشکی بود، از گشودن آن خودداری کرده است؛ اقدامی که بیش از آن‌که نمادین باشد، حاوی پیامی روشن به طرف مقابل بود: هرگونه تلاش برای گسترش دامنه مذاکرات فراتر از توافق اولیه با پاسخ منفی مواجه خواهد شد. در عین حال، موضع ایران انعطاف‌ناپذیر مطلق نیز نیست. تهران اعلام کرده آمادگی دارد درباره «میزان و سطح غنی‌سازی» در چارچوب نیازهای واقعی کشور گفت‌وگو کند؛ نیازهایی شامل تأمین سوخت نیروگاه‌های برق هسته‌ای، سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران و تولید رادیوداروها. پذیرش نظارت‌های قانونی، بی‌طرفانه و حرفه‌ای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز در همین چارچوب قابل بررسی دانسته شده است. به بیان دیگر، ایران میان «حق غنی‌سازی» و «سطح عملیاتی آن» تفکیک قائل است؛ اولی را غیرقابل مذاکره و دومی را قابل تنظیم در چارچوب یک تفاهم متوازن می‌داند. در سوی دیگر، شواهد حاکی از نوعی ناهماهنگی در مواضع ایالات متحده است. دولت ترامپ و تیم مذاکره‌کننده‌اش طی هفته‌های اخیر پیام‌هایی متناقض ارسال کرده‌اند: از یک سو تهدید به تشدید فشار و حتی اعزام ناوهای نظامی به منطقه و از سوی دیگر تأکید بر تمایل به توافق. این نوسان رفتاری، بیش از آنکه نشانه یک راهبرد پیچیده باشد، از نگاه برخی تحلیلگران بیانگر سردرگمی در تعیین مسیر نهایی است. تهدید نظامی، از جمله اعزام شناورهای آمریکایی به آب‌های منطقه، ظاهرا با هدف افزایش فشار روانی انجام شده است. اما در مقابل ایران نه‌تنها عقب‌نشینی نکرد بلکه بر مواضع خود تأکید ورزید و این موجب شد این ابزار کارایی مورد انتظار را نداشته باشد. حتی اظهارات چهره‌هایی نزدیک به تیم مذاکره‌کننده آمریکا نشان می‌دهد که واشنگتن از عدم تأثیرگذاری این نمایش قدرت دچار نوعی بن‌بست ذهنی شده است. واقعیت آن که گزینه جنگ برای آمریکا، با توجه به برآوردهای نظامی و سیاسی، پرهزینه و پرریسک ارزیابی می‌شود. هرگونه درگیری گسترده با ایران می‌تواند به تقابلی منطقه‌ای و طولانی‌مدت تبدیل شود که تبعات انسانی، مالی و ژئوپلیتیک سنگینی به همراه خواهد داشت. افزون بر این، رئیس جمهور آمریکا با توجه به وعده‌های انتخاباتی خود، با محدودیت‌های داخلی جدی در پذیرش چنین هزینه‌هایی روبه‌رو است. از سوی دیگر، عقب‌نشینی آشکار از تهدیدهای قبلی نیز می‌تواند به تضعیف اعتبار سیاسی دولت او بینجامد. این دوگانگی، کاخ سفید را در وضعیتی میان «ناتوانی از جنگ» و «ناتوانی از عقب‌نشینی کامل» قرار داده است. عامل دیگری که بر پیچیدگی تصمیم‌سازی در واشنگتن افزوده، نگرانی متحدان منطقه‌ای آمریکاست. ایران اعلام کرده در صورت بروز جنگ، دامنه پاسخ صرفا به اهداف مستقیم آمریکایی محدود نخواهد بود و تمامی پایگاه‌ها و مراکز مرتبط با آمریکا در منطقه در معرض پاسخ قرار خواهند گرفت. چنین سناریویی، کشورهای میزبان پایگاه‌های آمریکایی و همچنین رژیم صهیونیستی را در موقعیتی آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. بر اساس برآوردهای نظامی منتشرشده در محافل غربی، هرگونه جنگ احتمالی می‌تواند با شلیک گسترده موشک‌ها و پهپادها به زیرساخت‌های حیاتی در منطقه همراه شود. تجربه درگیری‌های محدود پیشین نشان داده که توان بازدارندگی موشکی ایران به سطحی رسیده که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. همین واقعیت، محاسبات آمریکا و شرکایش را پیچیده‌تر کرده است. در چنین شرایطی، متحدان منطقه‌ای واشنگتن نیز خواهان پرهیز از سناریوی جنگ فراگیر هستند؛ چراکه هزینه‌های آن به‌طور مستقیم متوجه آنها خواهد بود. مجموع این عوامل نشان می‌دهد که مذاکرات پیش‌رو نه صرفا یک گفت‌وگوی فنی درباره درصد غنی‌سازی، بلکه آزمونی برای سنجش میزان واقع‌گرایی دو طرف است. ایران با موضعی تعریف‌شده و مبتنی بر حقوق بین‌الملل وارد این مرحله شده و خطوط قرمز خود را از پیش اعلام کرده است. در مقابل، ایالات متحده با مجموعه‌ای از فشارهای سیاسی و نظامی تلاش کرده دامنه امتیازگیری را گسترش دهد، اما با محدودیت‌های ساختاری در اعمال گزینه‌های سخت مواجه است. اگر واشنگتن به این جمع‌بندی برسد که راهبرد فشار حداکثری در این مرحله کارایی لازم را ندارد، احتمال حرکت به سوی یک توافق متوازن افزایش خواهد یافت؛ توافقی که در آن اصل حق غنی‌سازی ایران به رسمیت شناخته شود و در مقابل، ترتیباتی برای اطمینان‌بخشی متقابل تعریف گردد. در غیر این صورت، ادامه وضعیت تعلیق و بی‌تصمیمی می‌تواند به فرسایش بیشتر اعتماد و افزایش ریسک‌های ناخواسته منجر شود. در نهایت، آنچه تعیین‌کننده خواهد بود، میزان تمایل آمریکا به پذیرش واقعیت‌های ژئوپلیتیک جدید و احترام به حقوق تثبیت‌شده ایران است. تهران اعلام کرده مسیر دیپلماسی را ترک نکرده، اما آن را در چارچوب عزت، حکمت و مصلحت دنبال می‌کند. از این منظر، گفت‌وگو زمانی به نتیجه خواهد رسید که هر دو طرف، به‌ویژه واشنگتن، از فضای تهدید و فشار عبور کرده و منطق توافقی برد-برد را جایگزین رویکردهای مقطعی و متناقض کنند.

---

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

## دانشگاه، سینما، احزاب غربگرا

می‌توان بی‌درنگ با یک نگاه چندوجهی و با لایه‌هایی تو در تو، درخصوص مسائل گوناگون ایران موافق بود، اذهان ناتوان از عبور از سطح عمومی و همگانی ادراک یک مسأله، قادر به ژرف‌بینی و تشخیص پیچیده علل درد مزمن و در نتیجه درمان موثر آن نیستند. اما این خط‌سطحی‌نگری و نگرش تک‌بعدی، تنها معضل کنونی معرفتی در جامعه پرتکاپو و جوشان ایران نیست بلکه ممکن است دیدگاه‌هایی با وجود ناظر بودن بر عمق پیچیدگی بحران، خود باز به علل غفلت از حقیقت بنیانی چالش‌ها، خطرهای بزرگ‌تر شناختی ترکیبی بسیار غریبی بسازند. اگر پایه فلسفی و هستی‌شناسی نگرش ما آلوده به تمدنی ذاتا گرفتار بحران معرفتی ـ وجودی عصری بحران‌زا باشد، مطمئن باشید با فوق‌العاده‌ترین هوشمندی هم در چاچوب آن نگاه، نخواهید توانست نه درک درستی از پدیده‌هایی مثل ماجرای ایران و انقلاب اسلامی و گذار کنونی جهان و گسست‌های ارزشی تحت‌تاثیر یک موقعیت هجو جهان پسامدرن پیدا کنید و نه راه‌حل درستی جز تسلیم یا گریز درویشانه از جهان، برای آن بیابید. اساتیدی در اعماق قلبم دارای احترام بی‌حسابی هستند اما با این همه باید بگویم جای خالی ادراک وجود شناختی معطوف به طنین و تصادم ندای سرچشمه هستی برابر سد صداهای دنیایی و دیواره متحجر مدرنیته در ایران امروز، خود مهم‌ترین مشکلات‌شان در فهم صحیح شکاف‌ها و چالش‌های درونی ایران و البته جهان است. وجود جاری غیب در مسائل عالم شهاده روزمره ما، اگر در چشم انسان غرق دنیا، مشتی مفهوم انتزاعی و بی‌اثر در ماجرای ایران و جهان باشد، در اصل دلیلی بر صحت این دیدگاه و نفی نقش عظیم جهانی آن در شناخت درست واقعیت‌ها و بحران‌ها و جدال‌های زندگی ایرانی و جهانی نیست. این پایه ادراک ماهیت بحران گذار جهان کنونی از مدرنیته به پسامدرنیته نه سبب ندیدن انواع اغتشاش و بلبشو و بی‌نظمی و انضباطی‌های درون حکمرانی جهان و ایران می‌شود و نه قصد توجیه ناتوانی‌های عینی و ذهنی، مفهومی و ساختاری ما را در درک درست و اداره استوار کشتی متلاطم وطن دارد. فقط از این منظر، حقیقت بحران‌زایی زیر پا نهادن تنها حقیقت معتبر هستی و نقش این نابینایی، در نابسامانی و بحران‌زایی بنیادین جدید و جهل و سرگشتگی عمیق‌تر در درک علت اصلی بحران مورد توجه قرار می‌گیرد. با لحاظ حقیقت هستی ما ناگزیر خواهیم بود به رویدادها به گونه دیگر بنگریم و دچار فریب علم ناقص در نفی اثر ایمان و معرفت به ارتباط عالم غیب و عالم شهاده‌ای نشویم که معنایش درک توحیدی از مسائل انسان هبوط کرده بر زمین است و بدون آسمان و ادامه عالم غیب دردش درمان نمی‌شود.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید